

در نمازم خَمِ اَبروی تو در یاد آمد

در نمازم خَمِ اَبروی تو در یاد آمد
حالتی رَفَت که مِحراب به فَریاد آمد

تو که دَر کرب و بلا تَکیه زدی گُفت خدا
این ذِبیح است که از کعبه به میعاد آمد

(صِرَاطِ مُسْتَقِیمِ من، گَمَدِ گیسوی حسین) ۲
بال اگر داد خدا، بال بَرَن سوی حسین

خُداوندِ اَحَد، ثناگوی حسین
جَمَهان پُر شده از، هِیاهوی حسین
تَمَامِ نَفَعِی بِهَشت، از بوی حسین

(حسین جانم حسین) ۸

دوش وقتِ سَحَر از غُصّه نِجاتم دادند
اَندر آن ظُلَمَتِ شبِ آبِ حیاتم دادند
شُد زبَانزد به گَرمی و کِرامَتِ وَقتی
از سَرِ خوانِ تو یک لُقمه به حاتم دادند

(مَسَلَخِ عاشِقان بُود، زُلفِ چَلی پای حسین) ۲
جَنابِ یوسفِ آمده، گُند تماشای حسین

شُدَم مَسَتِ رُخ از، دِل آرای حسین
سَرَم را زده ام، به سودای حسین
قیامَت است هِنگامه ی غوغای حسین

(جانم حسین، حسین) ۲